

گفتمان شناسی مطالبات حقوق زنان در انتخابات و مقایسه با

اصل ۲۱ قانون اساسی

(مورد مطالعه خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری داخلی)

زهرا باقری^۱

سیدرضا نقیب‌السادات^۲

منصوره زارعان^۳

چکیده

مطالبات حقوق زنان در عرصه‌های مختلف باعث می‌شود که فعالین این حوزه، گاهی خودآگاه یا ناخودآگاه به موضع‌گیری و در نهایت قطب‌بندی میان خودشان و دیگران بپردازند و هنگام صحبت، از ضمیر «ما» و «آن‌ها» استفاده می‌کنند. بر این اساس، پژوهش حاضر به شناسایی قطب‌بندی‌های موجود در گفتمان فعالان حوزه مطالبات حقوق زنان ایرانی می‌پردازد. از آن‌جا که بیان مطالبات، در زمان انتخابات به اوج خود می‌رسد، بازه زمانی ۴ ساله (۱۳۹۶-۱۳۹۹) که شامل دو دوره انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی است، در خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری داخلی، انتخاب شد. این پژوهش از نوع اکتشافی است و به لحاظ روش‌شناسی، از نوع روش‌های کاربردی و کیفی می‌باشد که برای تحلیل داده‌ها از «روش تحلیل گفتمان انتقادی تئون ون‌دایک» استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که فعالین این حوزه، برای بیان مطالبات، تکنیک «دوقطبی‌سازی» را در ۵ محور «فضای عمومی»، «مجلس شورای اسلامی»، «دولت»، «احزاب سیاسی» و «شورای نگهبان» رقم می‌زنند. همچنین انطباق نتایج با اصل ۲۱ قانون اساسی بیانگر آن است که بیشترین مطالبات حول بند ۱ این اصل یعنی «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» می‌باشد.

۱ دانشجوی دکتری دانشکده زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب - قم - اینا

mighat1818@gmail.com

۲ دانشیار دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران mghibulsadat@yahoo.com

۳ استادیار دانشگاه الزهرا (س). گروه علوم و مطالعات توسعه، تهران، ایران. m.zarean@alzahre.ac.ir

واژگان کلیدی: حقوق زن، مطالبات حقوق زن، قطب‌بندی، خبرگزاری‌ها، اصل ۲۱ قانون اساسی

مقدمه و بیان مسئله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بازنگری قانون اساسی، بند ۱۳ مقدمه قانون اساسی به تکریم زنان جامعه و رهایی از ظلمی که در دوران حکومت پهلوی به آنان در اصل ۲۱ این قانون نیز به طور خاص موضوع زنان و حقوقی که می‌توانند از آن بهره‌مند شوند را بیان کرده است و تدابیر خاصی برای حمایت از زنان مقرر داشته است که این بندها پایه و مبنای تصویب قوانین متعددی قرار گرفته‌اند.

عملی کردن این اصل و حفظ کرامت زنان در جامعه نیازمند مشارکت همگانی است زیرا ساختارهای جامعه گاه شکل مردسالار به خود گرفته و مانع از تحقق خواسته‌های برحق زنان می‌شود و گاهی شرایط حاکم اولویت‌بندی‌های حقوق زنان را به دست فراموشی می‌سپارد. بنابراین ضروری است که مدافعان حقوق زن، همواره مطالبات برحق زنان را بیان کنند.

مدافعان از ابزارهای مختلفی برای بیان حقوق زنان استفاده می‌کنند که یکی از آنها رسانه است، در واقع قدرت رسانه ابزار پیچیده‌ای برای افزایش سطح آگاهی افراد جامعه، القای اندیشه‌ها و راهی برای پیگیری مطالبات محسوب می‌شود که در عصر حاضر بین حوزه خصوصی و نهاد اجرایی (دولت) نقش واسطه‌ای را در ضرورت اطلاع از دیدگاه و انتظارات مردم در فرایند تصمیم‌سازی ایفا می‌کند.

گاهی مناسبت‌های خاصی به ویژه ایام مشرف به انتخابات سرا سری، باعث می‌شود که رسانه‌ها توجه بیشتری به بیان مطالبات زنان داشته‌باشند و مدافعان حقوق زنان نیز با بهره‌گیری از این فرصت به بیان مطالبات می‌پردازند اما این اظهارنظرها گاه خواسته یا ناخواسته منافع برخی را متعارض با منافع زنان قرار می‌دهد و به دوقطبی شدن (زنان) و دیگران می‌پردازد، بنابراین در این تحقیق برصدد آن هستیم که با بررسی و تحلیل نظرات مدافعان حقوق زن در خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری، به روش تحلیل گفتمان، به بررسی این نظریات بپردازیم.

حاصل این پژوهش، نشان می‌دهد که چه مطالباتی از حقوق زنان برای فعالان این حوزه، دارای اولویت است و این مطالبات، چه سنخیتی با اصل ۲۱ قانون اساسی که حقوق زنان را بیان می‌کند، دارد و نتایج پژوهش حاضر راهگشای محققان علاقمند

در این حوزه است تا به شناسایی دیگر تکنیک‌های تحلیل گفتمان در رسانه‌ها بپردازند و نیز به تحلیل گفتمان مطالبات حقوق زن در دیگر رسانه‌ها بپردازند. همچنین با شناخت تهدیدها و فرصت‌هایی که این مطالبات در مقایسه با اصل ۲۱ قانون اساسی دارد می‌توان زمینه ایجاد قوانینی در خصوص بیان مطالبات زنان در رسانه‌های جمعی، خبرگزاری‌ها و سایت‌های داخلی را مطابق با قانون اساسی، فراهم کرد.

با توجه به مطالب ذکر شده، هدف از این مقاله شناخت قطب‌بندی‌های موجود در عرصه مطالبات حقوق زن و ایدئولوژی نهفته در گفتمان فعالان حوزه مطالبات زنان ایرانی است و از آن‌جا که قطب‌بندی‌ها در زمان انتخابات سراسری به اوج خود می‌رسد، سال‌های مشرف به انتخابات است، بازه زمانی ۴ ساله (۱۳۹۶-۱۳۹۹) که شامل دو دوره انتخابات ریاست جمهوری و یک دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی است، در خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری، انتخاب شد.

تدارک نظری تحقیق

برای داشتن فهم مشترک در خصوص مفاهیم پژوهش حاضر، لازم است که در ابتدا مروری بر برخی واژه‌های کلیدی پژوهش از نظر لغوی داشته باشیم تا مشخص شود که این پژوهش، به دنبال چه مطالباتی از حقوق زنان است. «حقوق» از منشاء حق، سه کاربرد رایج و متفاوت دارد، در معنی اول معادل Law، مجموعه بایدها و نبایدهایی است که افراد یک جامعه به رعایت آن ملزم بوده و ضمانت اجرایی حکومتی دارد، در معنی دوم برابر قانون است و ویژه کشورهایی است که حقوق مدون، اساس سیستم حقوقی آن‌ها را تشکیل می‌دهد و در معنی سوم معادل جمع حق (Right) است. مباحث حقوق زنان در هر سه مفهوم حقوق جای می‌گیرد (کدخدایی، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۳) و در پژوهش حاضر، هم معنای دوم از حقوق (به معنای قانون) و هم معنای سوم آن (جمع حق) اعم از حقوق اساسی، سیاسی، اجتماعی و مدنی مورد نظر است.

«مطالبات» احساس نیازی است که از حوزه دغدغه فردی خارج و تبدیل به خواسته یک گروه شود و از آنجا که جنسیت به عنوان یک امر مشترک، می‌تواند

مبنای پیدایش یک سری مطالبات باشد، «مطالبات زنان» به معنی خواسته‌های مدعیانه زنانی است که از سوی جمع، پشتوانه‌ای پیدا کرده‌اند که به این خواسته‌ها اعتبار بخشیده و می‌تواند در برابر نظام سیاسی، نوعی صفت‌بندی اجتماعی و حتی سیاسی به وجود آورد (علاسوند، ۱۳۸۷: ۱۴).

«اصل ۲۱ قانون اساسی» در پنج بند، تدابیر خاصی برای حمایت از زنان مقرر داشته است: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
- اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی»

«گفتمان»؛ زبان دریافت موقعیتی و اجتماعی است (ون دایک، ۲۰۰۶: ۹۸) و مطالعات گفتمان که به آن «تحلیل گفتمان» نیز گفته می‌شود، یک رشته میان رشته‌ای جدید است که شامل تئوری، تجزیه و تحلیل متن است (همان، ۱۹۹۸: ۷).

پیشینه پژوهش

هرچند با موضوع گفتمان‌شناسی قطب‌بندی مطالبات حقوق زنان در خبرگزاری‌ها، تحقیق مستقلی در کشور انجام نشده است، اما کلیت موضوع گفتمان‌شناسی مطالبات زنان، مورد توجه برخی محققان قرار گرفته و تحقیقاتی در این زمینه صورت می‌گیرد که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود.

حلاج زاده بناب و دیگران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای شیوه بازنمایی کنشگران عرصه دادگاه خانواده به وسیله زنان خواستار طلاق را مطالعه کردند. داده‌های تحقیق، با حضور در ۴۰ جلسه دادرسی طلاق دادگاه خانواده زاهدان و ثبت مکتوب اظهارات زنان خواستار طلاق جمع‌آوری شده و انواع بازنمایی کنشگران بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) تعیین و هدف هر نوع بازنمایی بر اساس تئوری ون دایک (۲۰۰۶) تحلیل شد. نتایج نشان داد زنان مورد مطالعه، از سه شیوه هویت دهی نسبتی؛ منفعل سازی و عدم تفکیک، برای بازنمایی کنشگران حاضر در گفتمان دادگاه خانواده استفاده می‌کنند و هدف از این بازنمایی‌ها بزرگ‌نمایی رفتارهای ناپسند طرف مقابل و برجسته سازی نکات مثبت خود و خودی هاست.

علی‌پور و دیگران (۱۳۹۶)، با روش تحلیل گفتمان لاکلو و موفه به بازنمایی کشمکش‌های گفتمانی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه پرداخته‌اند تا میزان توجه این برنامه‌ها را به عدالت جنسیتی که می‌تواند به برقراری آن یا تداوم نابرابری جنسیتی منجر شود، بررسی کنند. یافته‌ها نشان داد که عدالت جنسیتی یکی از نشانگان معنایی گفتمان‌های اصلاحات و اعتدال، با برداشت برابری به مثابه همانندی است و بدین ترتیب حساسیت جنسیتی برنامه‌های سوم، چهارم و ششم توسعه قابل توجه است.

متقی و روشنایی (۱۳۹۰) در مقاله نقش دولت در توسعه و تحدید گفتمان‌های مطالبات مدنی معاصر زنان ایران، جنبش حقوق زنان و گفتمان‌های مربوط به آن را در چالش با نهاد قدرت در ایران به تصویر کشیده‌اند و به این نتیجه رسیدند که مطالبات مدنی زنان موضوع تاریخی است که از سال‌های انقلاب مشروطه به این سو مرتب مطرح شده و زنان متعددی از قشرهای مختلف در راستای تحقق آن تلاش کرده‌اند. این جریان عمدتاً به عنوان تابعی از گفتمان‌های مسلط و حاکم به حیات خود ادامه داده و گاه به صورت گفتمانی پیرامونی تحت فشارهای مختلف قرار می‌گیرد اما به حیات خود ادامه داده و سعی کرده در مقایسه با مردان سهم بالنسبه برابری از قدرت را برای خود ایجاد نماید.

نظرزاده و افخمی (۱۳۹۱) در مقاله تحلیلی گفتمانی از جایگاه زنان در دولت‌های دهه ۸۰ شمسی، می‌کوشند با تکیه بر نظریه گفتمان لاکلا و موف به بررسی جایگاه زنان در دو گفتمان سیاسی متمایز این دهه بپردازند. نتایج بررسی نشان داد که گفتمان اصلاح‌طلب با گرایش به تجددگرایی، دال محوری مشارکت زنان را در مفصل‌بندی خویش دارد که با دال‌های خانواده‌محوری، توانمندسازی، آموزش و آگاهی، به حیات گفتمانی خویش شکل می‌داد. در مقابل، غیرگفتمانی جایگزین، با گرایش به سنت‌گرایی، گه‌گاه خانواده‌محوری صرف را مرکز قرار داده و با دال‌های تعمیق باورهای دینی، حجاب و عفاف و نقش تربیتی زنان، هویت گفتمانی دیگری برای آنان رقم زده است.

در خصوص مطالبات حقوقی زنان در بین منابع غیرفارسی، می‌توان به مقاله الهام غایتانچی^۶ و ولنتاین ن. مقدم (۲۰۱۴)، اشاره کرد که در پژوهشی با عنوان زنان، اعتراضات اجتماعی و فعالیت رسانه‌های جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا، به بررسی انتشار استفاده از فن‌آوری‌های رسانه‌های جدید توسط زنان از طریق شیوه‌های ارتباطی داخلی و خارجی جنبش‌های اجتماعی و تأثیرات نقش زنان در عوامل جمعی تحولات اجتماعی می‌پردازند و نشان می‌دهند که فعالیت سایبری زنان، روزنامه‌نگاری شهروندی و سازماندهی خودشان به تغییرات اجتماعی و سیاسی رخ داده در منطقه کمک می‌کند و تاریخچه حضور زنان در جنبش‌های غیرخوشونت‌آمیز نشان می‌دهد که هدف آن‌ها ایجاد تحولات اجتماعی از طریق مسالمت‌آمیز است، همچنین زنان با تبدیل شدن به روزنامه‌نگاران شهروندی و نوشتن در مورد اعتراضات اجتماعی، به فعالان رسانه تبدیل می‌شوند و قدرت ارتباط و کنترل دولت را کم می‌کنند.

ویکتور یا نیسوم^۸ و لارا لنگل^۹ (۲۰۱۲)، پژوهشی با عنوان زنان عرب، رسانه‌های اجتماعی و بهار عربی، مشارکت فعالان فمینیستی عرب به صورت آنلاین را

6Elham Gheytnachi

7Valentine N. Moghadam

8Victoria A. Newsom

9Lara Lengel

با استفاده از چارچوب بازتاب دیجیتال برای تجزیه و تحلیل جنسیت و فعالیت‌های آنلاین، انجام داده‌اند. محقق در این پژوهش، یک چارچوب ارائه می‌کند که با استفاده از آن، می‌توان دید که چگونه پیام‌های جنسیتی ساخته، بنیادی، بازسازی و توسط سیستم رسانه‌های مصرفی نامرئی می‌شوند.

چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، بر خلاف تحقیقات کمی که بیشتر با توجه به مبانی نظری مشخص و فرضیات مبتنی بر آن آغاز می‌شود، اساس کارشان بر درک معنا، تفسیر و دسته‌بندی‌هایی است که از دید نمونه‌های پژوهش اهمیت دارد (صادق فسایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶). بر این اساس محقق در این پژوهش قصد فر ضیه آزمایی ندارد اما برای خالی نبودن ذهن از مبانی نظری، ضمن مطالعه‌ی ادبیات تحقیق به نظریه‌های موجود در تحلیل گفتمان، به عنوان چارچوب استنادی در تمام مراحل تحقیق، توجه شده است.

در تعاریفی که متفکران از روش تحلیل گفتمان ارائه کرده‌اند، دو رویکرد غیرانتقادی و انتقادی وجه غالب را داشته است (نقیب‌السادات، ۱۳۷۹: ۱۲).

الف) رویکرد غیرانتقادی: نخستین بار در سال ۱۹۵۲ اصطلاح تحلیل

گفتمان، در مقاله‌ای از زبان شناس معروف انگلیسی «زلیگ هریس»^۱ به کار رفت و صرفاً با نگاهی زبان شناختی به این مقوله توجه کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷)، او معتقد است که بحث درباره گفتمان را از دو بعد می‌توان سامان داد: اول بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان شناسی توصیفی و کاربرد آن‌ها در سطح فراجمله متن و دوم رابطه‌ی میان اطلاعات زبانی و غیرزبانی مانند رابطه‌ی زبان و فرهنگ و محیط و اجتماع؛ در بعد اول، صرفاً اطلاعات زبانی و در بعد دوم، اطلاعات غیرزبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه‌ی زبان‌شناسی است، مدنظر است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

ب) **رویکرد انتقادی:** ورود بحث تحلیل گفتمان به عرصه‌های دیگر علمی مثل علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات و در واقع خروج آن از انحصار زبان شناسی، به دوران جدید برمی‌گردد. در این دوران، تحلیل گفتمان را به صورت «تحلیل گفتمان انتقادی»^{۱۱} استفاده کردند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷). در این تحلیل که اینک با نام «فوکو میشل فوکو»^{۱۲} همراه شده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۰)، نحوه استفاده غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود بررسی می‌شود. این که چگونه روابط اجتماعی، هویت، دانش و قدرت، از طریق متون نوشتاری و گفتاری ایجاد می‌شوند و چگونه گروه‌ها و نهادهای مسلط، از قدرت، سوءاستفاده کرده و بدان مشروعیت می‌بخشند. این نوع تحلیل، مشکلات اجتماعی را مورد توجه قرار داده است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۴).

تئوری «نئون وندایک»^{۱۳}

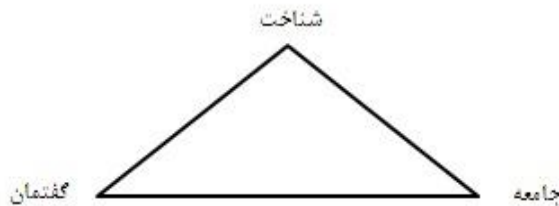
وندایک، از جمله اندیشمندان نظریه گفتمان غیرانتقادی است که تحلیل گفتمان را روشی کیفی می‌داند که با استفاده از اصلاح روش‌های اولیه تحلیل محتوای رسانه‌ها حاصل شده است (نقیب‌السادات، ۱۳۸۵: ۱۴). با این که گفتمان محدودیت‌هایی مانند تعیین زمان، مکان، شرایط، شرکت‌کنندگان و نقش‌های مختلف ارتباطی و اجتماعی آنها (مثلاً به عنوان سخنران، رئیس، دوست، و غیره)، تصمیم‌ها، اهداف یا مقاصد را دارد که باعث می‌شود افراد گفتمان‌های مختلفی را انتخاب کنند اما می‌توان زمینه‌های مشترکی را بین شرکت‌کنندگان در تعامل به عنوان اعضای گروه‌های جمعی، یا مؤسسات شناسایی کرد، به طور مثال گفتمان زنان در مقابل مردان، سیاه‌پوستان در مقابل سفیدپوستان، جوانان در مقابل افراد پیر (وندایک، ۱۹۹۸: ۱۹-۲۱).

1 Critical discourse analysis

1 Michel Foucault

1 Teun Adrianus van Dijk

از نظر ون دایک، تحلیل گفتمانی که بخواهد جامع باشد، همزمان به تحلیل دقیق شناختی و اجتماعی احتیاج دارد. او این رابطه را به یک مثلث تشبیه می‌کند که ابعاد ترکیبی شناختی و اجتماعی در آن، به عنوان تعریف زمینه مربوط (محلّی و جهانی) گفتمان محسوب می‌شوند. منظور از شناخت، شناخت فردی و اجتماعی نسبت به باورها، اهداف و همچنین ارزیابی‌ها احساسات، بازنمایی‌ها و فرآیندهای مرتبط با ذهن و حافظه که به گفتمان و تعامل مربوطاند، است.



شکل ۱: الگوی نظری ون دایک (۲۰۰۶)

Figure 1: Van Dijk theoretical pattern

او تلاش می‌کند تا ایدئولوژی را به منزله‌ی نظام باورها، در مطالعات خود وارد کند و از آن تلقی خنثی و بی‌طرفانه‌ای ارائه دهد که می‌تواند مثبت یا منفی باشد؛ و اجتماع نیز، شامل خرده ساختارهای محلی تعاملات رودرروی موقعیت‌مند، و ساختارهای همگانی‌تر سیاسی و جمعی که به صورت مختلفی در قالب گروه‌ها، روابط گروهی (مانند سلطه و نابرابری)، جنبش‌ها، نهادها، سازمان‌ها، فرآیندهای اجتماعی، نظام‌های سیاسی و خصوصیات انتزاعی‌تر جوامع و فرهنگ‌ها تعریف می‌شوند، است. به عبارتی، جنبه‌های شناختی و اجتماعی این مثلث، یافت محلی و همگانی گفتمان را فراهم می‌آورند (ون دایک، ۲۰۰۱: ۹۸). بر این اساس، اعضای گروه‌های اجتماعی در راستای طرح‌واره‌ی ایدئولوژیکی به قطب‌بندی میان خودشان به عنوان «گروه خودی» و دیگران به عنوان «گروه غیرخودی» می‌پردازند و هنگام صحبت، از ضمایر

«ما» و «آن‌ها» استفاده می‌کنند. در همین رابطه ون‌دایک مربعی ایدئولوژیکی پیشنهاد می‌کند که اضلاع آن عبارتند از:

۱. برجسته‌سازی نکات مثبت ما؛ ۲. برجسته‌سازی نکات منفی آن‌ها؛ ۳. کم‌رنگ‌سازی نکات منفی ما؛ ۴. کم‌رنگ‌سازی نکات مثبت آن‌ها (ون‌دایک، ۲۰۰۶: ۷).



شکل ۲: مربع ایدئولوژیک ون‌دایک
Figure 2: Van Dijk Ideological square

در واقع یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین کارکردهای ایدئولوژیکی ز بان، استفاده از راهکار مثبت‌نمایی «خود» و منفی‌نمایی «دیگران» است و اساس آن بر پایه‌ی همین مربع ایدئولوژیکی بنا نهاده شده‌است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از نوع اکتشافی است و به لحاظ روش‌شناسی، از روش‌های کاربردی و کیفی است که محقق در طول فرایند تحقیق، نظریه‌سازی می‌کند، نظریه با داده‌ها پیش می‌رود و به عنوان بخشی از فرایند پژوهش از درون داده‌هایی که جمع می‌شود شکل می‌گیرد، تحلیل داده‌ها در همان ابتدای فرایند گردآوری داده‌ها شروع شده و در طول طرح تحقیقاتی ادامه می‌یابد و پژوهشگر کیفی روش استقرایی را به

کار می‌برد (نقیب‌السادات، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۶، ج ۱). از بین این روش‌های کیفی، روش این پژوهش، تحلیل گفتمان است و تکنیک آن بر اساس چارچوب مقولات گفتمانی ون‌دایک، مقوله‌ی «قطب‌بندی» می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش، تمام خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری فارسی زبان و داخلی انتخاب شد و با روش نمونه‌گیری هدفمند از بین ۱۰۰ محتوا (گفت‌وگو، یادداشت و گزارش) که کل محتوا در مورد مطالبات زنان در انتخابات سراسری مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری بود و در بازه‌ی زمانی فروردین ۱۳۹۶ تا اسفند ۱۳۹۹ منتشر شده است، ۱۶ مورد که در آن، حتماً جملاتی که نشان دهنده دوقطبی ما و دیگری است، انتخاب شد.

بررسی یافته‌های تحقیق

بررسی یافته‌ها نشان داد که در ۵ حوزه‌ی مختلف قطب‌بندی (ما و دیگری) وجود دارد و بر اساس پرتکرار بودن آنها به ترتیب شامل فضای عمومی (۱۱ مورد)، مجلس (۱۰ مورد)، دولت (۸ مورد)، احزاب (۷ مورد) و شورای نگهبان (۳ مورد)، است.

۱ فضای عمومی

منظور از «فضای عمومی جامعه» در این مقاله نهادهای قانونگذار، اجرایی و تفکرانی است که باورهای مردمی را شکل می‌دهد و فضایی را موافق یا مخالف با مطالبات زنان به وجود می‌آورد و دوقطبی ما (زنان) و دیگران (فضای عمومی جامعه) را شکل داد:

الف) «نهادهای قانونگذار و اجرایی» در محتواهای بررسی شده، با اشاره به آن‌ها در کنار هم، مورد انتقاد قرار گرفته است و دوقطبی ما (زنان) و دیگران (تمام نهادهای قانونگذار و اجرایی) را ایجاد کرد:

- فضای عمومی جامعه، اعم از نهادهای قانونگذار و اجرایی برای احقاق حقوق زنان تلاش نکرده‌اند

- قانونمند شدن ورزش زنان و جایگاه مدیریتی ورزش زنان در قانون فدراسیون‌ها و کمیته المپیک اصلاح شده و به مجلس و شورای نگهبان برای تصویب رفته اما مدت‌هاست بلا تکلیف مانده
- **ب) «مردان»** جامعه، بر روی شکل‌گیری فضای عمومی جامعه نقش دارند و در این مقاله نیز در محتواهای بررسی شده به اشکال مختلف بیان گردیده و عدم توجه مردان به زنان را مانعی بر سر راه تحقق مطالبات زنانه می‌دانند و دوقطبی ما(زنان) و دیگران(مردان) را شکل داد:
- باید سیاست را از راهروها و زیرزمین‌ها و پستوهای مردانه خارج کنند تا بتوانند در آن نقش ایفا کنند و گرنه همیشه محکومند
- واقعیت این است که تاریخ و سنت ما را مردان هم نوشته‌اند و هم ساخته‌اند. آنها جنگیده‌اند، دیوار و زندان ساخته‌اند
- **ج) «زنان»**، به باور محتواهای بررسی شده، گاهی خود زنان جامعه فضا را برای رسیدن هم‌جنس‌انشان به مطالبات سخت می‌کنند و دوقطبی ما(زنان) و دیگران(زنان مخالف با ما) را ایجاد می‌کنند:
- تعداد زن‌هایی که برای نمایندگی مجلس ثبت نام کرده و تایید صلاحیت شده‌اند بسیار زیاد بوده است که از بین آنها تعداد ۱۶، ۱۷ نفر انتخاب شده‌اند. یعنی زن‌ها هم به خودشان رای نمی‌دهند،
- **د) «مخالفان سهم خواهی زنان»**، به دور از بحث جنسیت کسانی هستند که در فضای عمومی هم تفکرات و آراء آنان طرفدار دارد، مطالبه‌ای که موافقان آن به ارائه ادله پرداختند و خود نیز برخی از ادله مخالفان را بیان کردند و بدین ترتیب دوقطبی میان ما(موافقان سهمیه بندی جنسیتی) و دیگران(مخالفان سهمیه بندی جنسیتی) را ایجاد نمودند، این سهم خواهی گاهی مربوط به پست‌های مدیریتی است و گاهی نیز مربوط به کرسی‌های به اصطلاح رزرو شده‌ی مجلس شورای اسلامی:
- با توجه به نابرابری سهم زنان و مردان در تصاحب کرسی‌های مدیریتی و رخنه کردن مرد سالاری در بدنه حاکمیتی کشور مسئولان زن در سطح ملی بیشتر شود

- مخالفان اما می‌گویند چنین تبعیض‌های مثبتی با روح دموکراسی سازگار نیست و میزان در هر صورت رای ملت است

۲ مجلس شورای اسلامی

در خصوص مطالبات زنان با محوریت صحبت‌ها، تشریح عملکردها و یا نقدهایی به برخی از عملکردهای مجلس شورای اسلامی، مردان مجلس، زنان نماینده در دوره‌های مختلف مجلس، دوقطبی ما(زنان) و دیگران(مجلس شورای اسلامی) ۵ محور «تغییر چهره مردانه مجلس شورای اسلامی»، «عدم شفاف سازی واژه رجل سیاسی»، «نقد عملکرد زنان مجلس دهم»، «زنان نماینده مجلس و دیگر زنان نماینده مجلس یا مسئول دولتی» و «عدم توجه به مطالبات زنان» ایجاد شد.

الف) «تغییر چهره مردانه مجلس شورای اسلامی» و نیز شرح عملکرد مجلس در خصوص زنان و خانواده از زبان نمایندگان زن مجلس دهم شورای اسلامی بود که به طور غیرمستقیم به قطب‌بندی ما (زنان دوره دهم از مجلس شورای اسلامی که به نوعی نمایندگان زنان جامعه بودند) و دیگران (مردان مجلس شورای اسلامی) اشاره داشتند:

- ما صدای زنانی شدیم که در این حوزه‌ها مطالبات دارند و گوشی برای شنیدن صدای آنها وجود نداشت.

- نگاه زنانه ما به عنوان نماینده مجلس باعث شده به زنان خانه دار و سرپرست خانوار و مسائلی چون نیاز آنها به بهداشت و ورزش توجه کنیم.

ب) «رجل سیاسی»، تعریف دقیق از این واژه و تبیین ویژگی‌های یک رجل سیاسی، یکی از دغدغه‌های اصلی مدافعان حضور زنان در عرصه سیاست، بالاخص تصاحب پست ریاست جمهوری، است که در محتواهای مورد بررسی وجود داشت و نمایندگان مجلس به علت عدم توجه به این دغدغه مورد انتقاد قرار گرفتند و دوقطبی ما (زنان) و دیگران (نمایندگان مجلس) شکل گرفت:

- (باید) این تلقی که منظور از «رجال سیاسی» مرد سیاسی است، برطرف شود.
- مجلس باید در قانون جامع انتخابات ابعاد واژه رجل سیاسی را بطور دقیق مشخص کند

ج) «نقد عملکرد زنان مجلس دهم»، برخی از کارشناسان و کاندیداهای زن دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی، به صورت صریح، به نقد عملکرد زنان مجلس شورای اسلامی در دوره دهم پرداخته و دوقطبی ما (زنان) و دیگران (زنان نماینده در مجلس دهم شورای اسلامی) را ایجاد کردند:

- در این دوره ۱۷ نماینده خانم داشتیم که به دلیل آنکه با یکدیگر اتفاق نظر نداشتند، دو فراکسیون "زنان" و "خانواده" به صورت مجزا تشکیل دادند که عملاً خروجی چشمگیری را از این فراکسیون‌ها ندیدیم.
- کمیته «زنان و جوانان» است و کسانی که عضو این کمیته کمیسیون فرهنگی می‌شوند، باید اقداماتی را برای حل مشکلات مربوط به زنان و خانواده انجام دهند اما این کمیته تا امروز خروجی خاصی نداشته است.

د) «زنان نماینده مجلس و دیگر زنان نماینده مجلس یا مسئول

دولتی» در این بخش از دوقطبی‌ها، زنان نماینده دوره دهم مجلس شورای اسلامی به طور غیرمستقیم با بیان تفاوت دیدگاه‌های خود و آن‌ها به نوعی سعی در ایجاد دوقطبی ما (زنان مجلس دهم که نماینده زنان جامعه هستند) و دیگران (زنان نماینده مجلس یا مسئولین دولتی مخالف با ما) داشتند:

- آنها معتقدند افرادی چون ما که به این حق زنان (فعال در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) اعتقاد داریم ... در حال خیانت کردن به زنان و به جامعه هستیم.
- آنها فکر می‌کنند ما اشتباه می‌کنیم و راه غلط را در پیش گرفته‌ایم.

ه) «عدم توجه به مطالبات زنان»، به استناد برخی از محتوای بررسی

شده، مجلس شورای اسلامی در همه دوره‌ها، گاهی اوقات خواسته یا ناخواسته با عدم اهمیت قراردادن و یا اولویت دادن به خواسته‌های قانونی زنان از جمله حق طلاق و یا ازدواج کودکان، باعث ایجاد دوقطبی ما (زنان) و دیگران (قوه مقننه) شدند:

- مرد هر وقت بخواهد، می‌تواند چنانچه دلایل قوی نیز برای طلاق نداشته باشد ولی زن را طلاق دهد

- بحث ازدواج دختران زیر سن قانونی که یک ظلم به زنان جامعه است، هنوز هم وجود دارد و متأسفانه به نتیجه نرسیده است.

۳. دولت

برخی از کارشناسان با انتقاد از عملکرد دولت‌ها و بی‌توجهی آنان به دغدغه‌های زنانه، دو قطبی ما (زنان) و دیگران (همه‌ی دولت‌ها) را ایجاد کردند:

- طرح ازدواج آسان ۱۰ سال هست که در مجلس تصویب شده است، اما قدم از قدمی دولت‌ها برداشته نشده است.

- آن وقت مدعی هستند و شعار می‌دهند که خانم‌ها ما به نفع شما قدم بر می‌داریم! در حالی که مرخصی زایمان، حق شیردهی و... را دولت‌ها برای زنان قائل نشده‌اند.

اما دیگر محورهای مطرح شده در این بخش را می‌توان در قالب نقد و بررسی عملکرد «دولت نهم و دهم»، «دولت یازدهم و دوازدهم» و «معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری» است:

الف) «دولت نهم و دهم»، با توجه به اینکه محتوا در مورد عملکرد مثبت دولت یازدهم و دوازدهم است، دو قطبی ما (زنان) و دیگران (دولت‌مردان دوره نهم و دهم) ایجاد شده است:

- در دوره‌هایی نه تنها دولت‌ها در مسیر برآورده کردن مطالبات جامعه زنان گامی برداشته‌اند، بلکه با اتخاذ برخی سیاست‌ها و راهبردهای مضیق در راستای کم‌رنگ کردن حضور زنان در جامعه حرکت کرده‌اند.

ب) «دولت یازدهم و دوازدهم»، با انتقاد از عملکرد دو دولت یازدهم و دوازدهم، دو قطبی ما (زنان) و دیگران (دولت یازدهم و دوازدهم) ایجاد شده است:

- برنامه عمل این ستاد (ملی زن و خانواده) در دولت گذشته به صورت تخصصی و جامع و به دور از نگاه سیاسی و جناحی نوشته شده در حالی که عنوان اساسی آن "تشکیل"، "تحکیم" و "تعالی" خانواده بود؛ اما دریغ از برگزاری یک جلسه چه در دولت قبلی و چه در دولت فعلی..»

- اولویت آنها بحث جمعیت نیست و حتی برخی از طرح‌های دولت ضدجمعیتی است.

ج) «معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری» به عنوان مهم‌ترین متولی امور زنان برای حصول مطالبات بر حق آنان، چون در ساختار دولت قرار دارد و توسط شخص رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود در این ارزیابی به عنوان یکی از بخش‌های دولت، مورد بررسی قرار گرفت. در محتواهای بررسی شده با نقد عملکرد این معاونت، دو قطبی ما (زنان) و دیگران (معاونت ریاست جمهوری) شکل گرفت:

- معاونت زنان ریاست جمهوری تاکنون نتوانسته نیاز جامعه زنان را تأمین کند
- ما در مجلس هشتم ... موضوع "سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی" را مصوب کردیم که دولت باید اقداماتی را در این زمینه انجام دهد. متأسفانه این قانون با عدم توجه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری رو به رو شد.

۴. احزاب سیاسی

با توجه به محتوای مورد بررسی، احزاب می‌توانند به عنوان یکی از اهرم‌های رسیدن زنان به مطالباتشان، نقش ایفا کنند و به طور مشخص یک چهارم محتوای مورد بررسی به عملکرد احزاب اختصاص داشت، چنانچه در برخی از محتواهای بررسی شده به طور کلی، همه احزاب به نادیده انگاشتن زنان متهم شده‌اند و دو قطبی آشکار ما (زنان) و دیگران (احزاب سیاسی) در این زمینه را شکل داد:

- یک اتحاد نانوشته از طرف احزاب در دو جناح وجود دارد که مبدا تعداد خانم‌ها از یک حدی فراتر برود
 - اگرچه اهتمام به مسایل زنان با توجه به جمعیت و اهمیت جایگاه آنان در خانواده و جامعه بسیار مهم است، ولی از دید ناظران در بسیاری از موارد پرداختن به مطالبات بانوان تنها به دوره رقابت‌های انتخاباتی و تقلیل آن به ابزاری برای کسب آرای بیشتر تقلیل پیدا می‌کند.
- به جز این مورد، به طور جداگانه جریان اصلاح طلب و مخالفان اصلاح طلب نیز دارای محتوا بودند:

الف) «نقد اصلاح طلبان»، اولویت بندی و پیگیری مطالبات زنان از سوی این جریان سیاسی مورد انتقاد قرار گرفته و سعی در ایجاد دوقطبی میان ما(زنان) و دیگران (اصلاح طلبان) شده است:

- خود کولایی به نمایشی و ویتروینی بودن کاندیداتوری اش در انتخابات شهرداری تهران اعتراف کرد.
- این جریان سیاسی از افسانه ۳۰ در صدی سهم زنان در انتخابات‌هایی مانند مجلس و شورای شهر تهران برای رای گیری از نیمی از رای دهندگان یعنی زنان و دختران بهره برد،

ب) «نقد جریانات غیراصلاح طلبی»، اصلاح طلبان نیز با نقد جریانات مخالف خود، سعی کردند که ورود زنانی با تفکراتی غیراصلاح طلبی به مجلس شورای اسلامی را مانعی برای رسیدن زنان به مطالباتشان نشان دهند و دوقطبی ما (زنان) و دیگران (جریانات سیاسی غیراصلاح طلبی) را ایجاد کنند:

- از این طریق وضعیت مطلوب مد نظر خود را دنبال کنیم و میدان را خالی نکنیم چرا که این کار موجب به وجود آمدن وضعیتی می شود که مطلوب ما نیست.
- جای نگرانی هم هست که چه کسانی و با چه تفکراتی وارد مجلس خواهند شد.

۵. شورای نگهبان

در محتوای مورد بررسی، به طور صریح یا ضمنی عملکرد شورای نگهبان به عنوان مانعی برای دستیابی زنان به مطالباتشان به ویژه در دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، مطرح شده و دوقطبی ما(زنان) و دیگران(شورای نگهبان) را شکل داده است:

- به طور کلی نمی توان گفت که فقط یک نهادی مانند شورای نگهبان مقصر است
- دست‌اندرکاران انتخابات باید این حقوق را برای همه مردم جامعه به رسمیت بشمارند و اجازه دهند مردم حقوق سیاسی خودشان را به شکل کامل و مناسب داشته باشند.

جدول ۱: فراوانی رخداد مطالبات زنان در محورهای دوقطبی

ردیف	دوقطبی	تعداد بسامد از ۱۶ محتوای مورد مطالعه
1	زنان و فضای عمومی	۱۱
2	زنان و مجلس شورای اسلامی	۱۰
3	زنان و دولت	۸
4	زنان و احزاب سیاسی	۷
5	زنان و شورای نگهبان	۳
	کل رخداد دوقطبی‌سازی	۳۹

از آنجا که اصل ۲۱ قانون اساسی در ۵ بند، به حقوق زنان اختصاص دارد، انتظار می‌رود که فعالان حوزه زن و خانواده بر مبنای این اصول، مطالبات زنان را پیگیری کنند. بر این اساس در ادامه، به بررسی این بندها، در دوقطبی‌های مزبور پرداخته شد:

۶. فضای عمومی

الف) ۸ مورد به بند اول اشاره دارد:

- باید سیاست را از راهروها و زیرزمین‌ها و پستوهای مردانه خارج کنند تا بتوانند در آن نقش ایفا کنند
- فضای عمومی جامعه ما، اعم از نهادهای قانون‌گذار و اجرایی برای احقاق حقوق زنان تلاش نکرده‌اند

ب) ۳ مورد، به صورت کلی حقوق زنان را مطرح کرد:

- دقیقا مسأله ممنوعیت‌های قانونی نیست و پای مسائل فرهنگی در میان است.
- حتی سیاست‌های کلی خانواده که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، از سوی قوه مجریه عملیاتی و از سوی قوه مقننه پیگیری نشده

۷. مجلس شورای اسلامی

الف) ۶ مورد به بند اول اصل ۲۱ اشاره دارد:

- به نظر نمی‌رسد که منظور از «رجال سیاسی» مرد سیاسی باشد.

- (زنان) با توجه به وجود کلمه رجال سیاسی حضوری کمرنگ دارند.
- مجلس باید در قانون جامع انتخابات ابعاد واژه رجل سیاسی را به طور دقیق مشخص کند.

(ب) ۳ مورد به طور کلی حقوق زنان را بیان می‌کند:

- این زنان هم به عنوان نماینده زن در مجلس یا به عنوان مسئول دولتی، خود را طرفدار حقوق زن می‌دانند، اما نوع نگاهشان به حقوق زن متفاوت است.
- آنها فکر می‌کنند ما اشتباه می‌کنیم و راه غلط را در پیش گرفته‌ایم.

(ج) ۱ مورد نیز به بند ۲ و ۴ اشاره داشت:

بحث ازدواج دختران زیر سن قانونی که یک ظلم به زنان جامعه است، هنوز هم وجود دارد

همچنین بحث‌های زنان سرپرست خانوار مطرح است که هنوز امتیازی برای آنها قائل نشدند.

۸. دولت

(الف) ۴ مورد به صورت کلی به حقوق زنان اشاره دارد:

- چند روز پیش شنیدیم که "ستاد ملی زن و خانواده" قرار است تشکیل شود! این شبیه یک جک است. این ستاد ۱۷ اردیبهشت ماه در ستاد ۲ روز مانده به پایان دولت یازدهم برگزار می‌شود.

- در دوره‌هایی نه تنها دولت‌ها در مسیر برآورده کردن مطالبات جامعه زنان گامی برداشته‌اند، بلکه با اتخاذ برخی سیاست‌ها و راهبردهای مضیق در راستای کمرنگ کردن حضور زنان در جامعه حرکت کرده‌اند.

(ب) ۲ مورد به بند ۲ و ۴ توجه داشت:

- در حالی که مرخصی زایمان، حق شیردهی و... را دولت‌ها برای زنان قائل نشده‌اند.

- طرح ازدواج آسان ده سال هست که در مجلس تصویب شده است، اما قدم از قدمی دولت‌ها برداشته نشده است.

- آن کسی که شانس تشکیل زندگی و مادری را از دست می‌دهد؛ زن است که می‌خواهد ازدواج کند، مادر شود، شغل داشته باشد و ... اما در دولت‌ها هیچ برنامه‌ی عملی نداریم!

ج) ۱ مورد به بند یکم اصل ۲۱ اشاره داشت:

- متأسفانه بی‌توجهی به زنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه حوزه‌های اقتصادی و سیاسی باعث شده است عدم توازن و توسعه را به شدت احساس کنیم.

۹. احزاب سیاسی

۴ مورد در خصوص بند ۱ اصل ۲۱ قانون اساسی و ۳ مورد نیز به صورت کلی مطالبات زنان را بیان می‌کند:

- یک اتحاد نانوشته از طرف احزاب در دو جناح وجود دارد که مبدا تعداد خانم‌ها از یک حدی فراتر برود
- قرار نگرفتن نام زنان در صدر فهرست‌های انتخاباتی به عنوان سرلیست است
- نه تنها مطالبات و خواسته‌های زنان به عنوان شهروندان جامعه را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه با نمودهای تغییرات اجتماعی و عرفی جامعه و مقتضیات زمان برای حضور زنان در جامعه مقابله می‌کنند.

۱۰. شورای نگهبان

تمام موارد ذکر شده در این دو قطبی، کاملاً مربوط به بند ۱ اصل ۲۱ قانون اساسی است که برای جلوگیری از اطناب‌گویی از ذکر شاهد مثال آن، صرف‌نظر می‌نماییم.

جدول ۲: فراوانی رخداد «اصل ۲۱ قانون اساسی» در محورهای دوقطبی

ردیف	بندهای اصل ۲۱ ق.۱ دوقطبی	۱	۲	۳	۴	۵	کلی	جمع کل
1	زنان و فضای عمومی	۸	۰	۰	۰	۰	۳	۱۱
2	زنان و مجلس شورای اسلامی	۶	مشترک ۴		مشترک ۲		۳	۱۰
3	زنان و دولت	۲	مشترک ۲	۰	مشترک ۲ ۲	۰	۴	۸
4	زنان و احزاب سیاسی	۴	۰	۰	۰	۰	۳	۷
5	زنان و شورای نگهبان	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۳
	کل رخداد دوقطبی سازی	۲۳	۱,۵	۰	۱,۵	۰	۱۳	۳۹

بحث و نتیجه‌گیری

برگزاری انتخابات همواره فرصتی برای بیان خواسته‌ها و مطالبات افراد مختلف جامعه محسوب می‌شود و فعالان حوزه زنان نیز از این فرصت برای بیان دغدغه‌های جدی زنان استفاده می‌کنند. تحلیل‌گفتمان محتوای منتشر شده آن‌ها بازگوکننده اولویت بندی‌های حقوق زنان و تکنیکی که آن‌ها برای بیان مطالبات استفاده می‌کنند، است. طبق نظر ون‌دایک، یکی از تکنیک‌هایی که برگرفته از ایدئولوژی افراد می‌باشد، قطب‌بندی است که در این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که فعالان حوزه زنان در ۵ محور «فضای عمومی»، «مجلس شورای اسلامی»، «دولت»، «احزاب سیاسی» و «شورای نگهبان»، مطالبات زنان را به شیوه‌ی دوقطبی‌سازی (ما/زنان) و دیگران) مطرح می‌کنند.

همچنین مقایسه هر محور با ۵ بند اصل ۲۱ قانون اساسی که به حقوق زنان اختصاص دارد، نشان داد که فعالان این عرصه بیش از همه به بند یک این اصل یعنی «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» پایبند هستند و با اختلاف بسیار زیاد اشاراتی هم به بند دو «حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و حمایت از کودکان بی سرپرست» و چهار «ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست» دارند، اما هیچ صحبتی از بندهای سه «ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده» و پنج «اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی» در بین صحبت‌های آنان نبود.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تاکنون به صورت مستقیم در مورد تکنیک دوقطبی مطالبات زنان تحقیقی صورت نگرفته، اما در موضوعات دیگر، نتایج به دست آمده در این مطالعه مؤید آن تحقیقات نیز هست، چنان‌که در مطالعه‌ی حلاج زاده بناب و دیگران نیز زنان مورد مطالعه با استفاده از سه شیوه هویت دهی نسبتی؛ منفعل‌سازی و عدم تفکیک برای بازنمایی بزرگ‌نمایی رفتارهای ناپسند طرف مقابل و برجسته‌سازی نکات مثبت خود و خودی‌ها پرداختند (حلاج زاده بناب و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۰). مطابق مطالعه علی‌پور، اصلاح‌طلبان به بحث عدالت جنسیتی با

برداشت برابری در بحث سهم‌خواهی زنان از مجلس، توجه کردند(علی پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۲). انتقادات و دفاع از عملکرد زنان مجلس نیز مؤید نتایج تحقیق متقی و روشنایی بود که بیان کردند گفتمان مطالبات زنان گاه به صورت گفتمانی پیرامونی تحت فشارهای مختلف قرار می‌گیرد اما به حیات خود ادامه داده است(متقی و روشنایی، ۱۳۹۰: ۳۵). کم توجهی به بندهای ۲ و ۴ قانون اساسی و نیز عدم توجه به بندهای ۳ و ۵، نتایج تحقیق نظرزاده و افخمی را تا حدودی تأیید کرد و نشان داد که گفتمان‌های موجود دال محوری مشارکت زنان را در مفصل‌بندی خویش دارد که با دال‌های توانمندسازی، آموزش و آگاهی، به حیات گفتمانی خویش شکل می‌داد(نظرزاده و افخمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

صحت‌های سخنگوی شورای نگهبان در مورد امکان کاندیداتوری زنان برای انتخابات ریاست جمهوری، که در دوقطبی ما و شورای نگهبان، مطرح شد، نتایج پژوهش غیتانچی و مقدم را تأیید کرد. آنها بیان کردند که زنان این قدرت را دارند که به عنوان فعالان رسانه‌ای تحولات اجتماعی بزرگی را رقم بزنند(غیتانی و مقدم، ۲۰۱۴: ۲۲). عدم توجه به بخشی از مطالبات زنان که در اصل ۲۱ قانون اساسی آمده است، نیز مؤید نتایج پژوهش نیسوم و لنگل بود که گفتند پیام‌های جنسیتی توسط سیستم رسانه‌های مصرفی نامرئی می‌شوند(نیسوم و لنگل، ۲۰۱۲).

در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش در راستای کاهش دوقطبی‌ها و بیان مطالبات حقوقی زنان در راستای اصل ۲۱ قانون اساسی مواردی پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به آثار مخربی که تکنیک دوقطبی‌سازی بین جمع خودی و دیگران ایجاد می‌کند و در این پژوهش طیف گسترده‌ای را شامل شد، توصیه می‌شود که فعالان این حوزه تا حد امکان از این تکنیک استفاده نکنند.
- توجه به کلمه «رجل سیاسی» یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فعالان حوزه زنان است که لازم است در خصوص مشخص شدن این مفهوم مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به جمع بندی برسند.

- کاندیداهای مجلس شورای اسلامی و نیز ریاست جمهوری پس از کسب رای و تصاحب کرسی، به وعده‌های خود در مورد مطالبات زنان عمل کنند تا شاهد انتقاد زنان از عدم توجه آنان به مطالبات حقوقی خود نباشیم.
- همه فعالان حوزه زنان، از ظرفیت و قدرت رسانه برای بیان مطالبات حقوقی زنان استفاده کنند و ضمن پایبندی به قانون اساسی، برای رسیدن زنان به تمامی حقوق مندرج در اصل ۲۱ قانون اساسی تلاش کنند.
- دغدغه‌مندان برای آگاهی بیشتر جامعه به مطالبات طبق قانون اساسی، به تولید محتوای متنوع در رسانه‌ها بپردازند تا ابعاد آن بیش از پیش مشخص شود.
- به نظر می‌رسد با تدوین مرام‌نامه یا چارچوب قانونی در خصوص بیان مطالبات در راستای اصل ۲۱ قانون اساسی، می‌توان شاهد تولید محتوای بیشتر در این حوزه بود.
- رسانه‌ها با بهادادن به فعالان حوزه زنان و محدود نشدن به چند فعال سرشناس در این حوزه، پذیرای نظرات مختلف و مطالبات حقوقی زنان باشند.
- عدم توجه به برخی از بندهای اصل ۲۱ می‌تواند نشان‌دهنده این موضوع باشد که این بندها دیگر در اولویت مطالبات اکثر زنان جامعه نیست، بنابراین ضروری است که در این زمینه تحقیقات مفصل‌تری صورت گیرد و با استفاده از نتایج آن، زمینه‌سازی تغییر بندهای این اصل فراهم شود.
- پژوهشگران علاقمند در حوزه گفتمان‌شناسی مطالبات حقوق زنان می‌توانند به بررسی و شناسایی دیگر ابعاد تحلیل گفتمان در رسانه‌ها بپردازند.
- پژوهشگران با استفاده از نتایج این تحقیق می‌توانند گفتمان‌شناسی را در دیگر رسانه‌ها از جمله شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار دهند.

منابع

۱. حلاج زاده بناب، حسین؛ خلیفه لو، سید فرید؛ آقاگل زاده، فردوس. «شیوه بازنمایی کنشگران اجتماعی در گفتمان زنان خواستار طلاق بر اساس الگوی ۲۰۰۸ ون لیوون؛ رویکرد زبان‌شناسی حقوقی»، جستارهای زبانی، شماره ۴۶، ۱۳۹۷.
۲. صادق فسایی، سهیلا، زینب جهاندار لاشکی و عبدالحسین کلانتری. «واکاوی اعتیاد مردان متأهل در یک مطالعه کیفی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، د ۲۲، ش ۸۷، ۱۳۹۹.
۳. علا سوند، فریبا. «جامعه، نظام اسلامی و مدیریت مطالبات زنان»، حوراء، شماره ۳۰، ۱۳۸۷.
۴. علی پور، پروین، زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر، جوادی یگانه، محمدرضا. «بازنمایی کشمکش‌های گفتمانی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، رفاه اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۶۶، ۱۳۹۶.
۵. فرکلاف، نورمن، ۱۳۷۹. تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
۶. کدخدایی، محمدرضا. «مبانی مقایسه‌ی ارزشی نظام حقوق زن در اسلام و فمینیسم»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۵، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.
۷. متقی، ابراهیم و علی روشنایی. «نقش دولت در توسعه و تحدید گفتمان‌های مطالبات مدنی معاصر زنان ایران»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، زمستان ۱۳۹۰، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۸. نظرزاده، شقایق و افخمی، علی. «زنان در دو دولت: تحلیلی گفتمانی از جایگاه زنان در دولت‌های دهه ۸۰ شمسی»، زبان پژوهی، دوره ۶، شماره ۱۳، ۱۳۹۱.
۹. نقیب‌السادات، سیدرضا، ۱۳۹۱. روش‌های تحقیق در ارتباطات، نشر علم، تهران، جلد ۲.
۱۰. یارمحمدی، لطف‌الله، ۱۳۸۳. گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، هرمس.
۱۱. یورگنسن، ماریان، و لوییز فیلیپس، ۱۳۹۸. نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، نی، تهران.

منابع لاتین

1. Elham Gheytonchi & Valentine N. Moghadam, WOMEN. «SOCIAL PROTESTS, AND THE NEW MEDIA ACTIVISM IN THE MIDDLE EAST AND NORTH AFRICA», International Review of Modern Sociology, Vol. ۴۰, No. ۱, Spring ۲۰۱۴.
2. Van Dijk, Teun A.«Discourse and manipulation», *UNIVERSITAT POMPEU FABRA*, Volume: 17 issue: 3, BARCELONA, May 1, 2006.
3. Van Dijk, Teun A(1998),*Discourse as Structure and Process(Discourse Studies: A Multidisciplinary Introductio)*, London, , Volume 1.
4. Victoria A. Newsom & Lara Lengel. *Arab Women, Social Media, and the Arab Spring: Applying the framework of digital reflexivity to analyze gender and online activism. Journal of International Women's Studies*. Volume 13. Issue 5 Arab Women Arab Spring Article 5. Oct-2012.